

دانلود جزوه حقوق مدنی 1 با فرمت پی دی اف

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

دارایی در لغت زبان محاوره به معنی ثروت و تمول است اما به معنی اخص دارایی عبارت است از مجموع حقوق و تعهدات مالی شخص که کل و واحد مستقل حقوقی را تشکیل می دهد به عبارتی حقوق: قابلیت و استعداد دارا شدن، پولدار شدن، متمتع مادی شدن و یک ظرف است. چه با مظلوف و چه بی مظلوف. مظلوفات دارایی: حقوق مالی (تکالیف مالی) + دیون (یعنی بدهیها) نکته:

دین ، درمورد تکلیف مالی به کار می رود. و تکلیف ، معمولاً معمولاً در امور غیر مالی مکلف به کار می رود، پس در امور مالی، مکلف را بکار نمیبریم مگر این که مالی را به آن اضافه کنیم و بگوییم تکلیف مالی.

پس با توجه به مظلوفات دارایی، فردی که سراپا مقروض است هم دارایی دارد. مثل کسی که سراپا مکننت و ملانت دارد یعنی متمول و ملنیست و دارایی هر فرد واحد مستقلی است از اموال و دیونش که از جمع روابط مالی افراد با دیگران بدست میآید و همیشه ثابت میماند. پس سه ویژگی دارایی:

1) کلی است حقوقی و مستقل از اجزای خود: یعنی از مظلوفاتش جداست.

2) تنها شامل حقوق و تکالیف مالی است و نه غیر مالی.

3) از مفاهیم وابسته به شخص است یعنی از مختصات شخصیت انسان بوده و پس از فوت به ورثه منتقل میشود.

ویژگی اول : باعث میشود که بتوان گفت دارایی هر شخصی ضامن دیون اوست و طلبکاران اموال مدیون را وثیقه طلب خود شمرده و غیر مستقیم خود را در حفظ آن محق میپندارند پس اگر دارایی وجودی مستقل در برابر اجزایش نبود لازم میشد که شخص به خاطر حفظ حقوق طلبکاران از تصرف در اموالش ممنوع شود ولی با فرض ویژگی ما وثیقه طلبکار با تغییر اجزای دارایی از بین نمیرود.

و در نتیجه همین ویژگی: دارایی شخص با فوتش به همان صورت به وراثت میرسد و بازماندگان در مجموع دارایی، قائم مقام مورث خود میشوند یعنی در حدود ترکه مالک اموال و بدهکار دیون او میشوند.

ویژگی دوم : پس نمیتوان اصل حق و آثارش را با هم اختلاط کرد و حقوق غیر مالی را به خاطر این که آثار مالی دارند در زمره دارایی آورد، بلکه تنها پس از تحقق آثار مالی حقوق غیر مالی آنها در زمره دارایی آورده میشوند.

ویژگی سوم : دارایی از مختصات شخص است پس مانند شخصیت غیر قابل انتقال و تقسیم است.

**پس چهار نتیجه مهم فردگرایان یا کلاسیکها:**

1) تنها شخص میتواند دارایی داشته باشد زیرا تنها شخص قابلیت دارا شدن حق و تکلیف را دارد پس دارایی بدون مالک نداریم.

2) شخص بدون دارایی نداریم (پس دایی با ثروت فرق میکند)

3) هر شخصی فقط یک دارایی دارد.

4) دارایی از شخص جدا شدنی نیست و تا زمانی که زنده است نمیتواند آن را به دیگری منتقل کند.

**ایراد دکتر کاتوزیان به نتایج کلاسیکها:**

1- این که هر شخصی فقط یک دارایی میتواند داشته باشد خلافش هم هست. مثلاً مثلاً: وارث که خودش یک دارایی دارد و یک ارث هم به او میرسد پس تا قبل از ملحق شدن ماترك دو دارایی دارد. چرا که به موجب قانون مدنی، به محض فوت مورث، وارث مالک دارایی یا ترکه مورث میشوند. به همین دلیل دکتر کاتوزیان قائل به این شده که این مفهوم مخالف دارد.

یعنی: دارایی شخص با فوتش منتقل میشود. ولی نظر ما بر این است که: خود دارایی (یعنی طرف دارایی) منتقل نمیشود بلکه اقلام (مظروفات) منتقل میشوند. پس ایراد به کلاسیکها وارد نیست و جمله مزبور مفهوم مخالف ندارد و با قوت شخص دارایی از بین میرود و تنها اقلام منتقل میشود.

**ایراد دیگر دکتر کاتوزیان این است که:**

دارایی بدون شخص هم ممکن است. مثل پارهای از اموال که شخصیت حقوقی دارند ولی مالک ندارند. ولی خود دکتر سخنش را نقض کرده چرا که کلاسیکها نگفتهاند که دارایی بدون شخص طبیعی متصور نیست بلکه گفتهاند شخص و این اعم از طبیعی و حقوقی است و دکتر کاتوزیان به این قائل شدهاند که منظور کلاسیکها این بوده که:

اول شخص باید باشد. سپس دارایی عارض شود.

در صورتی که کلاسیکها شخص را اعم گفتهاند و انگشت و انگشت در به هم وصل شدن مقدم و مؤخر ندارند!!